

روایت اتفاقاتی که در یک ماه اخیر برای حسینیه سلسبیل افتاد و منجر به تغییر طرح مرمتی آن شد

نقشه جدید با حفظ ساختمان قدیمی

سیده‌نقیمة زینی| یک ماه پیش نام «حسینیه سلسبیل» بر سر زبان‌ها افتاد. در فضای مجازی درباره تخریب آن سخن زیاد بود و تکذیب و انکار این خبر بر زبان مسئولان مختلف می چرخید و طبق روال معمول برای چنین خبرهایی، مسئولان از زیر بار این اتفاق شانه خالی می‌کردند و تقصیر را بر دوش یکدیگر می انداختند. همان زمان شهرآرا به سراغ این ماجرا رفت و دو گزارش متفاوت در شهرآرانیوز

و شهرآرامحله منطقه ۷ و ۸ به چاپ رساند. دو هفته پس از این ماجرا احسان زهره‌وندی، سرپرست معاونت میراث فرهنگی اداره‌کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان رضوی، اعلام کرد تغییری در سرنوشت حسینیه سلسبیل رخ داده‌است و در این باره با خبرنگار صفحه تاریخ و هویت شهرآرا گفت وگو کرد. این گزارش حاصل صحبت درباره اتفاقاتی است که در یک ماه گذشته، نام حسینیه را

به میان اخبار رسانه‌ها کشانده‌است و آخرین اطلاعات درباره این مکان تاریخی را پیش‌رو قرار می‌دهد. از آنجا که از شروع این اتفاق‌ها، بحث بر سر واجد ارزش بودن این بنا زیاد بود، یکی از محورهای اصلی گفت‌وگوی ما با زهره‌وندی بر سر همین موضوع است. این گزارش در شماره‌های بعدی نیز پیگیری می‌شود و سرنوشت نهایی حسینیه به اطلاع خوانندگان گرامی خواهد رسید.



قدمت حسینیه خیابان سلسبیل

وقتی جدال بر سر حفظ یک بنای ارزشمند شروع می‌شود، یکی از تکیه‌گاه‌های اساسی مدافعان آن، پیشینه تاریخی‌اش است. معاون میراث، تاریخ ساخت حسینیه‌ای را که اکنون به نام سلسبیل شناخته می‌شود و نام دیگری هم دارد، به پهلوی اول نسبت می‌دهد و دکتر ایوانی، مشاور طرح، بنای آن را مربوط به پهلوی دوم می‌داند که با سبک و معماری پهلوی اول ساخته شده است. از آنجا که میان اسناد درباره خود حسینیه نمی‌توانیم سرگذشت موثقی را پیدا کنیم، بهتر است نگاهی به تاریخچه کوچه‌ای که این حسینیه سالیان سال در آن زیسته است، بیندازیم. به سراغ نقشه‌های ۱۳۲۵ و ۱۳۳۳ مشهد می‌رویم. در این نقشه‌ها نامی از سلسبیل نیست، اما کوچه به شکل کنونی آن وجود دارد و نام مهدی‌آباد بر سر در آن نشسته است. این نام در کتاب «جغرافیای تاریخی شهر مشهد»، نوشته مهدی سیدی، یک مزرعه است که حدفاصل دروازه‌های سراب و ارگ قرار دارد. حافظ ابرو هم در نیمه اول قرن نهم قمری آن را یکی از مزارع بیست و چهارگانه شهر مشهد می‌داند. همچنین گویا چند قطعه زمین این مزرعه، وقف مسجد گوهرشاد شده است. با این حساب، این محدوده که اکنون از یک سو به شهید چمران ۹ و از سوی دیگر به خیابان دانشگاه ۱۶ راه دارد، دارای قدمتی کهن است. یک حمام و یک قنات قدیمی نیز در این کوچه با نام سلسبیل وجود داشته‌است که می‌توان ردپای آن را در میان اسناد برجای مانده یافت. سند برق‌رسانی به حمام سلسبیل، واقع در کوچه مهدی‌آباد، در سال ۱۳۱۹ میان اسناد آستان قدس رضوی وجود دارد. قبض پرداخت آب‌بهای منزل البرزی متعلق به آستان قدس به مستاجر آب قنات سلسبیل، نیز در سال ۱۳۱۵ نشان می‌دهد که نام سلسبیل پیش از اینکه بر این کوچه بنشیند، بر روی قنات آن بوده‌است و تاریخ این نام را در این کوچه به دوره پهلوی اول بازمی‌گردانند. با این احوال باید گفت کوچه‌ای که حسینیه سلسبیل با کرمانی هادر آن قرار گرفته است، یک کوچه نوپا نیست و با توجه به وجود این ساختمان در نقشه‌های هوایی قدیمی مشهد، احتمال اینکه این بنا به دوران پهلوی اول مربوط باشد و عمری بیش از آنچه بیان می‌شود داشته باشد، نیز هست. البته طبق گفته اهالی، این ساختمان سال‌ها مسکونی بوده و بعداً در اختیار یک هیئت مذهبی قرار گرفته‌است و آن‌ها نیز تصمیم به تخریب ساختمان و ساخت یک سازه چند طبقه به جای آن می‌گیرند.



دیگر، بنایی تخریب نمی‌شود

این موضوع ما را به چند سال قبل می‌برد. زمانی که مهدیه مرحوم عابدزاده که واجد شرایط ثبت بود، تخریب شد و توانست مجوز ساخت بگیرد. زهره‌وندی توضیح می‌دهد: البته اتفاق مربوط به چند سال قبل بود. طرح آن‌ها با شرط‌های معماری ایرانی اسلامی، حفظ قبر مرحوم عابدزاده و مطابقت معماری طبقه همکف آن با معماری پیشینش تصویب شد. اکنون دیگر آن روش را اجرا نمی‌کنیم و ساختمان‌های واجد ارزش در طرح‌های شهری به همان شکل، تثبیت می‌شود تا این اتفاقات دیگر تکرار نشود.

البته درباره بناهای ثبت شده، سخت‌گیری بیشتری وجود دارد و در صورت تخریب، با مالک برخورد قانونی می‌شود و بنا باید دوباره عین به عین ساخته شود؛ بیان این مسئله، خاطره بناهای ثبتی بسیاری را که پرونده آن‌ها وجود دارد ولی از خود بنا خبری نیست، در ذهنمان روشن می‌کند. سرپرست معاون میراث در این باره هم می‌گوید: بله، چنین نمونه‌هایی وجود دارد، ولی اکنون قوانین حمایتی بهتر شده است. شاید حدود ده تا پانزده سال پیش، این اتفاق زیاد می‌افتاد که بسیاری از آن‌ها نتوانستند بنای جایگزین بسازند، چون حتی زمین خالی آن ثبت است و نمی‌توان بدون هماهنگی با میراث، آن را ساخت.

می‌خواهیم مطمئن شویم که پس از این، خبر تخریب هیچ بنای ثبتی یا واجد ارزشی را نخواهیم شنید. از او می‌پرسیم: پس از نگاه شما امکان ندارد یک بنا ثبت باشد و تخریب شود؟ و پاسخ می‌شنویم: خبر حتی اگر تخریب شود، امکان ندارد مجازاتی برای این کار در نظر بگیرند و امکان ندارد که مالک بتواند ساختمان دیگری به غیر از آن معماری و آن ارتفاع به جای آن بسازد.

کوتاه از ماجرای حسینیه

حالا ماجرا چیست؟ همه چیز از یک نامه شروع شد. این نامه را سید جواد موسوی، مدیرکل میراث فرهنگی خراسان رضوی، به یزدان مهر، مدیر منطقه ۸ شهرداری، نوشته است: «طی بررسی‌های انجام شده، پلاک مورد نظر خارج از حرایم میراث فرهنگی و در محدوده بافت ارزشمند تاریخی ابلاغی شهر مشهد واقع است.» وی در ادامه، طرح پیشنهاد شده از سوی مشاوران این حسینیه را بدون مغایرت با ضوابط و مقررات حفاظتی میراث فرهنگی می‌داند. از سوی دیگر، تخریب حسینیه نیز شروع می‌شود و همین دو مسئله، ماجرا را به فضای مجازی می‌کشاند و پای دیگر مکانبات شهرداری و میراث فرهنگی را هم به ماجرا باز می‌کند. برپایه نامه‌ای که در سال ۱۴۰۰ میراث به شهرداری منطقه ۸ می‌نویسد، این ساختمان دارای ارزش ثبت، دانسته شده و پیشنهاد ایجاد بناهای میان‌افزا برای بهره‌مندی

همه بنا باید حفظ شود

جلسه شورای فنی میراث، برگزار و تصمیم جدیدی برای حسینیه کرمانی‌های خیابان چمران گرفته می‌شود. گفت‌وگوی ما با احسان زهره‌وندی پس از این جلسه رقم می‌خورد تا از برنامه‌های تازه میراث فرهنگی در این باره باخبر شویم. او خیلی زود و پیش از هر توضیحی به سراغ اصل ماجرا می‌رود و می‌گوید: حسینیه سلسبیل واجد ارزش است و در چند روز اخیر، مکاتباتی را با مسئولان شهرداری انجام دادیم و از آن‌ها خواستیم از هرگونه اقدام اجرایی در محوطه حسینیه جلوگیری کنند. در نامه‌هایی که داده بودیم، با طرح میان‌افزا موافقت کرده بودیم و طرح ارائه شده مشاور، ارتباطی با آن و ایجاد فضای مکمل

نداشت. به مشاور طرح هم اطلاع دادیم طرحشان،

موجب حفاظت از بنا نمی‌شود. او سپس نتیجه این مکاتبات و مذاکرات را بیان می‌کند و چنین از اتفاق تازه پرده برمی‌دارد: قرار شد مشاور سه طرح را به میراث فرهنگی ارائه کند. به طوری که این طرح‌ها هم موجب حفظ بنا بشوند و هم بتوانند نیاز هیئت‌امنا را پاسخ بدهند. آن‌ها می‌توانند در زمین اطراف آن، فضای مناسب خودشان را بسازند، به طوری که آسیب فیزیکی و منظرلی به بنای اصلی نرسانند. طبق شنیده‌ها، در طرح قبلی قرار بر حفظ پوسته بنا و ایجاد سازه جدید بود. زهره‌وندی در این باره می‌گوید: ما آن طرح را رد کرده‌ایم و اکنون باید همه بنا حفظ شود و در مجاورتش با فاصله و ارتفاع مناسب، فضاهای مورد نیاز هیئت‌امنا ساخته شود و این فضاها یکی از اجزای حسینیه شود.

نقشه‌های شهری، تثبیت خواهد شد تا به هیچ وجه کسی نتواند آن را تخریب کند.

بند رضایت مالک، مسئله‌ای است که هر علاقه‌مند به میراثی را به دلیل منافات داشتن با منافع مالک و مخالفت او با ثبت بنا، می‌تواند نگران کند. همین موضوع باعث می‌شود در این باره پرسش‌های بیشتری مطرح کنیم. در گذشته، میراث به چنین اجازه‌ای نیاز نداشت و پس از تصمیم برای ثبت یک بنا، آن را در آگهی روزنامه یا به شیوه‌ای دیگر به اطلاع مالک می‌رساند. اما اکنون به خاطر آنچه زهره‌وندی حفظ حقوق مالک بیان می‌کند، رضایت مالک هم جزو شرایط ثبت شده است. زهره‌وندی در پاسخ به سؤال «آیا اگر بنای واجد ارزش ثبت نشود، می‌تواند تخریب شود»، می‌گوید: اگر بنایی ارزش حفاظتی یا ثبتی داشته باشد، در طرح‌های شهری تثبیت می‌شود و مالک اجازه تخریب پیدا نخواهد کرد. همچنین محدودیت‌هایی درباره بنا اعمال می‌شود که تخریب آن هیچ سودی برای مالک نخواهد داشت. اگر یک بنای تاریخی دارای ارزش را تخریب کنند، هیچ وقت اجازه نخواهیم داد یک ساختمان چند طبقه جایش را بگیرد. در این صورت، ساختمان تازه باید با همان سطح اشغال، همان توده‌گذاری و همان ارتفاع، قبلی ساخته شود.



حسینیه سلسبیل
واجد ارزش است،
از مسئولان
شهرداری خواستیم
از هرگونه اقدام
اجرایی در محوطه
حسینیه
جلوگیری کنند

خراسان
نامه

خان تاشی؛ راوی یک اتفاق تاریخی

درباره کتیبه‌ای در دامنه هزارمسجد که ۵۰۰سال قدمت دارد



هادی دقیق| بی‌گمان بیشتر مشه‌دی‌ها با سد کارده و روستای گردشگر‌دی آل، خاطره دارند، خاطراتی که با کوه‌های بلند و دره عمیق آن گره می‌خورد. اطراف روستای آل، جدا از آن رود دائمی و طبیعت بی‌مانندش، چند یادگار تاریخی ویژه هست که هرکدام راوی داستانی منحصر به فرد هستند از آنچه بر خراسان گذشته است. یکی از جاذبه‌های تاریخی این منطقه، کتیبه‌ای به نام خان تاشی در جاده‌ای بین روستای آل و سیج است که ۲۷ اسفند ۱۳۸۶ در فهرست آثار ملی قرار گرفت. پس اگر هوس گشت وگذار در روستای آل به سرتان زد، پنج کیلومتر در جاده خاکی‌ای که در امتداد رودخانه به بالادست و به روستای سیج می‌رود، برانید تا در حاشیه مسیر، کتیبه معروف دوره صفویه را ببینید. این کتیبه که روی سنگی هم‌رنگ طبیعت اطرافش حک شده است، درست پیش از دوراهی سیج و مارشک قرار دارد. این مسیر، بخشی از گذرگاه تاریخی توس به کلات بوده است، هرچند امروز جاده مشهد به کلات، مسیری آسفالت شده‌است که کیلومترها با این گذر تاریخی فاصله دارد.

● ظاهر کتیبه خان تاشی

بر دامن هزارمسجد، جدا از طبیعتی زیبا، تاریخی پهن شده است که پرمایگی‌اش هم اندازه کوه‌های سربلند منطقه است. حضور کتیبه خان تاشی در این مسیر، گواهی می‌دهد که اینجا یک گذرگاه تاریخی است. کتیبه، گزارشی از حضور محمدخان شیبانی، معروف به شیبک‌خان یا شاه‌بیگ‌خان، به سال ۹۱۶ قمری برابر با ۱۵۱۰ میلادی است. ارتفاع کتیبه ۱۶۳ سانتی‌متر است و ۱۰ اسطر دارد و همگی غیر از آخری که هفتاد سانتی‌متر است، یک متر طول دارند. محتوای این کتیبه در مقاله‌ای در کتاب پاژ مربوط به سال ۱۳۷۳ به این شرح است:

«[با حمد و سپاس؟] و توفیقات پزدانی و تأییدات سبحانی حضرت صاحبقران و خاقان‌ک‌گ‌و‌رستان‌المنتصر من‌النصر‌المنتصر ابوالفتح محمد الشیبانی خان امام‌الزمان و خلیفه‌الرحمن خلدایام جاله و ایدرایت [آماله؟] و مقتضی کریمه فضل‌ال... المجاهدین بامولهم و انفسهم علی‌القاعدین درجه در تاریخ دوم شوال سنه خمس و عشر و تسعمائه [میل حرکت سفر سیل؟] از مرو شاهجان یصوب دشت قبیقاق معطوف گردانید و در منزل کندلیک [المحد؟] اولوغ تاغ و [ب]ا‌هل کفر و ضالت و اعداء دین و ملت را شکست داد، جمعی کثیر را از آن جماعت اسیر کرده، به دارالاسلام کوچانیده [از] طریق دارالسلام مشرف گردانید و در تاریخ بیست و دوم شهر صفر سنه ست عشر و تسعمائه از نواحی شهر یادگار خانی که معمار همت همایون تعمیر آن نموده، نزول فرمود و از بدایت ذهاب تا نهایت ایاب‌ک‌ه مدت چهار ماه و بیست روز است. آن مقدار منازل و مراحل طی فرمود که طایر عقل تیزرو و توسن وهم [...] از تصور و اندیشه سیر آن، عاجز و قاصر است. اللهم اید ظلال خلافت‌ه علی مفارق اهل الاسلام و اید لواء نصرت‌ه بحق محمد علیه الصلوه و السلام».

● باطن کتیبه خان تاشی

از متن کتیبه چنین برمی‌آید که شیبک‌خان دستور سنگ‌تراشی یک تافخرنامه سیاسی را داده است. این کتیبه ظاهرادر سال‌های آخر یکه‌تاری‌ای که منتصب از کوه‌ها و هنگامی‌کنده‌کاری شده که وی در رویارویی با شاه اسماعیل صفوی قرار داشته‌است. در میان منابع بازمانده از دوره صفویه، چنین آمده است که در اوایل کار حکومت نوپای صفویان، شاه اسماعیل جوان با دشمنی قوی در شرق ایران و خراسان به نام محمدخان شیبانی روبه‌رو می‌شود. این درگیری‌ها جدا از ظاهر تعیین قلمرو، رنگ‌وروی مذهبی‌ای دئوتولوژیک داشته است. پیش‌تر صفویان به دلیل درگیری‌های غرب کشور، با بازماندگان تیموری در شرق مماسات کرده بودند، اما شیبک‌خان، بنیان‌گذار شیبانیان که از ماجرای ضعف تیموریان باخبر می‌شود، از آسیای میانه حرکت و به خراسان لشکرکشی می‌کند و جانشینان سلطان حسین بایقرا را شکست می‌دهد و دودمان تیموریان را درهم می‌پیچد.

محمدخان در همان سالی که در کتیبه‌اش فخرفروشی کرده بود، در لشکرکشی شاه اسماعیل به خراسان، مجبور می‌شود به مرو و هرات عقب‌نشینی کند و سرانجام در اول ماه رمضان ۹۱۶ در نزدیکی مرو کشته می‌شود؛ البته کار محمدخان همین‌جا تمام نمی‌شود، بلکه به‌نوشته منابع تاریخی آن دوره، هریک از اعضای خانواده‌اش را به ولایتی می‌فرستند و سراو را پوست می‌کنند و بر از کاه می‌کنند و از استخوان کاسه سرش پیاله می‌سازند. با وجود محمدخان شیبانی‌ای عجیب و وحشتناکی درباره سرنوشت محمدخان تاشی، سکوت کرده و چیزی از آن نگفته‌اند.

با همه این‌ها، لرد کرنز انگلیسی سال ۱۳۰۷ قمری/۱۸۸۹ میلادی از دره کارده عبور کرده و شرحی از وجود چنین کتیبه‌ای را در کتاب «ایران و قضیه ایران» آورده است. پنج سال پس از او نیز کلنل بیت، سرکنسول انگلیس در مشهد در زمان ناصرالدین‌شاه قاجار، به‌گفته خودش وقتی برای شکار یک بز کوهی در تعقیب آن حیوان بوده، این کتیبه را دیده است.

در کتیبه گفته شده، از بازسازی شهر «یادگار خانی» یاد می‌شود که بازهم به استناد منابع آن دوره، در «مهمان‌نامه بخارا» آمده است که منظور از یادگارخانی، شهر توس است که سال ۹۱۵ قمری، محمدخان شیبانی دستور تعمیر و بازسازی آن را می‌دهد. با وجود این، چنین برمی‌آید که او نیز برخلاف متن این تافخرنامه، چندان فرصتی برای بازسازی شهری نداشته‌است که پیش‌تر چنگیزخان باخاک یکسانش کرده بود و تیموریان، نصفه‌نیمه آباد کرده بودند. با همه این‌ها، ظاهرا بقایای دروازه مرو شهر تابران توس، از مرمت‌های محمدخان شیبانی است.

شیبک‌خان در زمان حجاری شدن این کتیبه از طرفی با قزلباشان صفوی دست به‌گریبان بود و از سوی دیگر از دست خان‌های قزاق دشت بقچاق (در کتیبه آمده است) به خراسان فرار کرده بود. درنتیجه، برخی پژوهشگران این کتیبه را یک بیانیه سیاسی برای فرار از شکست خوردن از قزاق‌ها و روحیه دادن محمدخان به سپاهش می‌دانند؛ چنان‌که با استناد به منابع تاریخی، در کتیبه‌اش قصد تحریف تاریخ را هم داشته است.

منبع: ابراهیمی حسین، کتیبه خان تاشی، بهار و تابستان ۱۳۹۲، نشریه پاژ

منابع:

استاد موجود در سازمان اسناد و کتابخانه ملی، گزارش «مزرعه مهدی‌آباد دیروز، مسبلر امروز»، منتشرشده در شهرآرامحله منطقه ۸ و ۹، گزارش «آیا حسینیه کرمانی‌های مشهد در آستانه تخریب است؟»، منتشرشده در شهرآرانیوز، «نسخه میان‌افزا، راه نجات حسینیه»، مطلب منتشرشده در شهرآرامحله منطقه ۷ و ۸.